

بسم الله الرحمن الرحيم

اشک ترجمان دل، نگاهی عمیق به نمادگری اشک در دین اسلام

زهرای پورپیرعلی^۱

چکیده

اشک، یکی از عمیق‌ترین جلوه‌های عاطفی انسان است که در متون اسلامی جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام گریه را نه تنها واکنشی احساسی، بلکه ابزاری معرفتی، تربیتی و عرفانی معرفی کرده‌اند. این مقاله با رویکردی معناشناختی، تحلیلی و کتابخانه‌ای، به بررسی انواع اشک در آیات قرآن و روایات اسلامی می‌پردازد و تلاش دارد نقش گریه را در ساحت ایمان، خشیت الهی، شوق وصال، حزن پیامبرانه و سلوک عرفانی تبیین کند. در این پژوهش، اشک به عنوان ترجمان دل انسان در مواجهه با امر قدسی تحلیل شده و انواع آن از اشک خشیت و اشک شوق تا اشک حزن و اشک عرفانی و همچنین اشک کاذبان و منافقان با استناد به آیات و روایات معتبر طبقه‌بندی گردیده‌اند. در ادامه تأثیر اشک بر تهذیب نفس، تربیت دینی و آرامش روانی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که گریه در اسلام، نه تنها نشانه ضعف نیست، بلکه نمادی از بلوغ ایمانی و عمق ارتباط انسان با خداوند است.

کلیدواژه: انواع اشک، سلوک عرفانی، تهذیب نفس، جایگاه اشک، تربیت دینی.

طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه زهراپیه نجف آباد. ۱۴۰۴.^۱

اشک، زبان بی‌زبان دل است. قطره‌ای لطیف از ژرفای روح انسان که در خاموش‌ترین لحظه‌ها، پرشورترین پیغام‌ها را به عالم هستی مخابره می‌کند. در گستره‌ی باورهای اسلامی، گریه نه تنها واکنشی احساسی، بلکه جلوه‌ای از معرفت، خشیت الهی، شوق وصال، و نشانه‌ای از بلوغ ایمانی شمرده می‌شود. قرآن کریم و روایات اسلامی، اشک را به عنوان آیینی مقدس معرفی کرده‌اند که حامل معنایی فراتر از اندوه و درد است. اشک می‌تواند ترجمان ایمان، تبلور عشق الهی و نشانه‌ای از سلوک روحانی انسان باشد. بررسی مفهوم اشک در متون دینی به‌ویژه قرآن و روایات اسلامی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های عرفان، اخلاق و تفسیر بوده است. اشک به عنوان یکی از جلوه‌های عاطفی انسان، در متون اسلامی نه تنها نشانه‌ای از تأثر و خشوع، بلکه ابزاری برای تقرب به خداوند و پالایش روح معرفی شده است. در این زمینه، پژوهش‌های مختلفی انجام شده که هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند. مقاله «فلسفه اشک» از احمد لقمانی بارویکرد عرفانی، به بررسی جایگاه اشک در سلوک معنوی پرداخته و گریه را به عنوان یکی از ابزارهای تهذیب نفس معرفی کرده است. این مقاله بیشتر بر گریه در عزاداری و دعا تمرکز دارد و کمتر به آیات قرآن پرداخته است.

مقاله «اقسام اشک در قرآن» از ایکنا در قرآن با دسته‌بندی اشک‌ها به «راستین» و «دروغین» تلاش کرده است تا با تحلیل آیات، تفاوت اشک مؤمنان و منافقان را روشن سازد. با وجود دقت در تحلیل قرآنی، این مقاله به روایات مختصر اشاره کرده و همچنین فاقد ابعاد عرفانی موضوع است. مقاله «آثار تربیتی گریستن بر تکامل معنوی انسان از دیدگاه آیات و روایات» از محمدتقی حسینی و سید محمدرضا موسوی نسب تنها به منظور تبیین ارتباط میان گریستن، با تربیت اخلاقی و تکامل معنوی انسان، تدوین یافته است. در مجموع، اگرچه پژوهش‌های پیشین هر یک به بخشی از موضوع پرداخته‌اند، اما تاکنون مقاله‌ای که به‌طور هم‌زمان به انواع اشک در آیات قرآن و روایات اسلامی با رویکردی تحلیلی، تطبیقی و روان‌شناختی بپردازد، کمتر دیده شده است. مقاله حاضر با هدف پر کردن این خلأ علمی، تلاش دارد تا با دسته‌بندی انواع اشک، تحلیل زمینه‌های بروز آن و بررسی آثار فردی و اجتماعی آن، تصویری جامع‌تر از جایگاه اشک در متون اسلامی ارائه دهد.

این مقاله شامل ۷ بخش می‌باشد که بخش اول به بررسی اشک از نظر علمی پرداخته و اشک را به اشک عادی، تدافعی، احساسی و عاطفی تقسیم می‌کند. در بخش دوم به جایگاه اشک در آیات و روایات پرداخته و اهمیت آن را با آیات و روایات بیان می‌کند. در بخش سوم به انواع اشک در قرآن، مانند: اشک خشیت، شوق، حزن، اشک منافقان و کاذبان پرداخته و با تمثیل قرآنی تعرف جامعی را ارائه می‌دهد. در بخش چهارم اشک در روایات اسلامی شامل: گریه پیامبران، امامان و اشک در جمادات و حیوانات بررسی می‌شود. در بخش پنجم به جایگاه اشک در دعای کمیل، ابوحمزہ ثمالی و صحیفه سجاده می‌پردازد. در بخش ششم به تحلیل روان‌شناختی، اخلاقی و عرفانی اشک دقت نظر شده و در قسمت پایانی به تأثیرات سیاسی، اجتماعی و تربیت دینی اشک توجه ویژه‌ای دارد.

اشک: معنی لغوی: قطره، قطره آب، چکه.

اصطلاحی: سرشک، آب چشم که موقع گریستن از چشم جاری می شود. (دهخدا-فرهنگ فارسی معین)

اشک: (زیست شناسی) مایعی که از ترشح غده های اشکی حاصل می شود و چشم را مرطوب نگه می دارد و در حال گریستن از چشم فرومی ریزد. (فرهنگ فارسی عمید). اشک تمساح: [مجاز] گریه ای که از روی تزویر و برای عوام فریبی باشد. اشک حسرت (افسوس): اشکی که از روی حسرت و افسوس ریخته شود.

اشک داوری (مظلوم): [قدیمی، مجاز] اشکی که ستم دیده ای نزد قاضی یا حاکم برای دادرسی می ریزد؛ گریه مظلوم. اشک داوودی: [قدیمی، مجاز] اشک بسیار؛ اشک ندامت، اشاره به گریه حضرت داوود و اشک هایی که از خوف لغزش خود می ریخت.

اشک شادی (طرب، شکرین، شیرین): اشکی که از غایت شادی و خوشحالی جاری شود. اشک ندامت (پشیمانی): اشکی که از پشیمانی و افسوس ریخته می شود. (فرهنگ فارسی عمید)

بکاء. [بُ] بگریستن به آوا-دمع: اشک چشم از اندوه و یا شادی. (لغت نامه دهخدا)

عبره: اشک، اندوه بی گریه. (فرهنگ فارسی عمید)

۱. انواع اشک از نظر علمی

الف-اشک عادی: این اشک ترشح عادی غده اشکی برای مرطوب نگه داشتن چشم است. این نوع اشک، عملی غیر ارادی و تنها برای محافظت از چشم است که آن را اشک پایه نامیده اند. این اشک در همه حیوانات وجود دارد.

ب-اشک تدافعی: این اشک بر خلاف نوع اول دائمی نیست، بلکه برای دفاع در برابر محرک های بیرونی تولید می شود. به این نوع اشک، اشک رفلکسی می گویند. این اشک مواد محرک و آزار دهنده را از چشم پاک می کند.

ج-اشک عاطفی و احساسی: اشکی که در حالت گریه از چشم تراوش می کند. بر اساس گفته های پژوهشگران، ترکیبات شیمیایی این نوع اشک با ترکیبات دونه پشینی متفاوت است. این اشک برخلاف اشک عادی یا اشک پایه، همیشگی نیست و تا اندازه ای ارادی است و دست کم انسان می تواند جلوی اشکش را بگیرد. در حالی که دو قسم دیگر غیر ارادی است و انسان نمی تواند از جاری شدن اشک عادی که برای شست و شوی چشم است و یا اشکی که برای محافظت از چشم در برابر محرک های بیرونی ترشح می شود جلوگیری نماید و یا آن را بدون وجود محرکی جاری کند. این اشک هم مانند نوع دوم بر اثر محرک ها تولید می شود، با این تفاوت که این محرک ها درونی هستند. ترشح غدد اشکی پس از تحریک عواطف و احساسات انسان صورت می گیرد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۲۱)

۲. جایگاه اشک در آیات و روایات

در قرآن کریم، خدای تعالی، اشک و گریه را از سوی خود می داند. با واژه های، بکاء، دمع، عبره درباره این موضوع صحبت می کند و می فرماید: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى»، (نجم/۴۳)، «و اینکه اوست که می خنداند و می گریاند». قابل توجه این که از میان تمام افعال انسان روی مسأله خنده و گریه تکیه شده است، چرا که این دو وصف مخصوص انسان است و در جانداران دیگر یا اصلاً وجود ندارد و یا بسیار نادر است. (صدری، ۱۳۷۳)

اشک و گریه و زاری برای خدا از مهم ترین ارزش ها و بهترین عبادت ها است. گریه بر فقدان دنیا و مادیات و به هنگام شکست از عشق های مادی و موسمی، دلیل بر پستی روح و دنائت نفس است. اشک ریختن برای جناب او، به خصوص در خلوت و به هنگام عبادت و گریه بر فقدان اولیا به خصوص حضرت سیدالشهدا علیه السلام و گریه برای مرگ عزیزی که از ارزش ایمانی برخوردارند، گریه صحیح و گریه ای است که انسان به خاطر آن مأجور است، البته اجر انسان به تناسب موضوع گریه است، اگر گریه برای خدا یا برای حضرت حسین علیه السلام باشد، در صورتی که انسان از شرایط ایمانی برخوردار باشد، اجرش عظیم و مزدش بی پایان است. (مکارم، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۲، ص ۴۷۸)

قلب انسان کانون عواطف و احساسات است. هرگاه عزیزی را از دست دهد، ناراحت گشته و اشکهایش جاری می شود؛ اما نباید هرگز این گونه اظهار تأثر را با جزع و بی تابي و بی صبری اشتباه کرد؛ زیرا قلب انسان در برابر حوادث ناگوار عکس العمل نشان داده و چشم انسان نیز که دریچه قلب است، ممکن است از تأثیرات قلب متأثر گردد. بنابراین گریه و سوگواری برای از دست دادن عزیزان یک امر طبیعی و انسانی است. مهم آن است که انسان در مصیبت، سخنی که حاکی از ناشکری و شکایت باشد، بر زبان نراند و حرف هایی که دور از شأن یک بنده مطیع پروردگار است، نگوید؛ خودزنی ننموده و گریبان ندرد. در این رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لیس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوی الجاهلیة؛ کسی که لطمه به صورت زند و یا گریبان چاک کند، یا (به هنگام مصیبت) سخنانی همانند مردم جاهلیت بر زبان راند، از ما نیست». (همان)

گریه از اعظم نعمت های معنوی خداوند به انسان است و چشمی که اشک ندارد، صاحبش از ارزش والا برخوردار نیست و جمود چشم او علامت قساوت قلب است، چنین انسانی حتماً باید در رفع عیب خود بکوشد. در باب این که گریه از علائم الهی بودن عبد است، در قرآن مجید می خوانیم: «إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم، ۵۹) «هنگامی که آیات [خدای] رحمان بر آنان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به رو می افتادند». (انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۳۲-۱۳۴)

گریه برای خدا، دلیل حال درون و خشوع قلب و خضوع اعضا و جوارح انسان در پیشگاه مقدس ربوبی است. مسئله گریه در پیشگاه حضرت احدیت آن قدر با ارزش است که حضرت سجاد علیه السلام، در یکی از دعا های خود عرضه می دارد: «الهی! روزی که چشم من از گریه در خانه تو بخواهد باز بماند، آن روز را روز مرگ من قرار بده. و در زیارت امین الله عرضه می دارد:

وَعَبْرَةً مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً... اشکی که از برای خوف تو بریزد، مورد ترحّم تو است». آری، گریه و زاری در پیشگاه حضرت دوست از روی خضوع و تذلل و مسکنت و فقر، به هنگام دعا و نیایش و به خصوص در وقت نماز و عبادت، یکی از مهم ترین کارهای انبیا و امامان علیهم السلام بود. (همان)

۳. انواع اشک در قرآن

الف- اشک از شوق- اشکی که از عشق و معرفت است. خداوند این اشک را چنین توصیف می کند: إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّ عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (مائده ۸۳-۸۴) و چون آنچه را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، دیدگانشان را می بینی به سبب آنچه از حق شناخته اند لبریز از اشک می شود، می گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان [به حقایق] پیامبر و قرآن] بنویس. (مظاهری، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۴۶)

در توضیح این آیه می فرماید وقتی شخص قرآن می شنود اشک شوق از چشمهایش جاری می شود، می گوید: خدایا ایمان آوردم خدایا تو شاهد باش می خواهم با مؤمنین باشم بعد هم جانش، نیت و گفتارش، می گوید حق آمد چرا نپذیرم «وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ» چرا نپذیرم، من که دلم می خواهد سعادت مند شوم من که دلم می خواهد فردی شایسته بشوم، چرا زیر بار حق نروم؟ آن آیه را با این آیه پهلوی هم بگذار، قرآن می فرماید آدم لجوج می گوید خود جهنمی می شوم اما دست از لجاجت بر نمی دارم اما آدم با دل پاک می گوید دست از همه چیز بر می دارم و حق را می پذیرم، این آیه دوم مربوط به بعضی از علمای نصرانیت است، با پادشاه حبشه است، وقتی در مقابل پادشاه حبشه قرآن می خوانند گریه شوق می کند مثل باران گریه می کند در همان جلسه اول اسلام را می پذیرد، اما ابوجهل ها، ابوسفیان ها از مکه بلند می شوند به حبشه می روند برای اینکه تمامی و سخن چینی کنند، سعایت کنند، مسلمانانی که از بند این ظلمها رها شدند دوباره آنها را دربند کنند، همه اینها برای چیست؟ او دل پاک است پادشاه حبشه می شود، عالم نصرانی می شود، گریه شوق می کند، خوشحال است، برای اینکه حق را پیدا کرده، آن دیگری دارای دل ناپاک است، در مکه است، اما حق را نمی پذیرد (همان)

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله وسلم می فرمایند: مَا مِنْ عَيْنٍ فَاضَتْ مِنْ قَرَاءَةِ الْقُرْآنِ إِلَّا قَرَّتْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.. هیچ چشمی نیست که از قرائت قرآن اشک از آن جاری شود، مگر اینکه روز قیامت نورانی گردد و نیز فرموده است: مَنْ بَكَى شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ اسْكَنَهُ اللَّهُ فِيهَا، وَكُتِبَ لَهُ أَمَانًا مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ.. کسی که به خاطر شوق به بهشت بگرید، خداوند او را در آنجا ساکن گرداند، و امان از فزع اکبر «قیامت» برای او بنویسد. (غضنفری، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۶۷)

ب- اشک خشیت- اشک معرفت نسبت به عظمت الهی است. خشوع تقریباً متلازم با خوف و خشیت و به معنای دل شکستگی است و حالت انعطاف پذیری دل را نشان می دهد، در برابر قساوت که سنگ دلی و عدم تأثر دل است. (شبر ۱۳۷۴ ه. ش، ص ۹۸).

غمناک است. فرمودند: ریان، اگر کسی برای حسینم گریه کند، به مقداری که اشکش جاری شود تمام گناهان او چه بزرگ و چه کوچک آمرزیده می‌شود. این روایت را نباید با عقل سنجید بلکه باید با ذوق و عشق سنجید؛ با عشق حضرت رضا (علیه السلام)، با عشق شیعه، با آن حرارت و محبتی که حسین علیه السلام در دل مردم دارد با آنها سنجید. فرمود: ریان، اگر کسی برای حسینم آهی بکشد بهشت بر او واجب می‌شود. اگر کسی که به یاد کربلا می‌افتد بگوید: ای کاش در کربلا بودم، با شهداء محشور می‌شود. بعد فرمودند: ریان، اگر می‌خواهی با ما باشی کاری کن که محبت ما در دلت رسوخ کند؛ وقتی محبت در دل رسوخ کند و انسان فکر و عقلش را کنار بگذارد، عشق و محبت خود را جلو می‌آورد. (همان، ص ۳۸)

کسی برای حسین علیه السلام اشکی بریزد یا بگوید تا دیگران گریه کند و یا اگر گریه ندارد خود را شبیه به گریه کنندگان در آورد، بهشت بر او واجب می‌شود. و به مضمون این روایت، روایات زیادی داریم.... چرا این همه ثواب می‌دهند؟ این ثوابها برای گریه نیست، برای چیز دیگری است؛ برای این است که می‌خواهند رابطه پیدا شود. وقتی رابطه پیدا شد، تشبه پیدا می‌شود و وقتی تشبه پیدا شد، خواه‌ناخواه جاذبه و سازندگی پیدا می‌شود، خود را می‌سازد و خوب ساخته می‌شود نظیر یک سنگ معدنی که بیش از چند مثقال طلا داخل آن نیست، اگر بخواهد طلا از این سنگ گرفته شود راهش چیست؟ این که جذبۀ کورۀ چند هزار درجه‌ای آن را بسازد. (همان، ص ۵۱)

انسان طلا دارد، انسان سرچشمه^۱ عجیبی است؛ به قول امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - «تو خیال می‌کنی یک جثه کوچکی هستی؟ فقط سر و دست و پا و چشم داری؟ نه، عالم هستی در تو نهفته است؛ تو آنی که اگر خود را بشناسی، اگر جذبه‌ها ترا بگیرند، اگر بتوانی پرواز کنی به جایی می‌رسی که بجز خدا نداند. ملک نمی‌داند که پرواز توچه مقدار است چه رسد که حیوان بخواهد پروازت را بفهمد. نه، پرواز بالا است. کدورتها باید از بین بروند، چگونه؟ کورۀ چند هزار درجه‌ای می‌خواهد. بهترین کوره‌ها برای ساختن انسان جذبه‌هایی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام و حسین علیه السلام و اهل بیت - علیهم السلام - می‌آید و این جذبه‌ها از جلسه روضه می‌آید؛ جلسات روضه جذبه دارند. (همان). اشک و گریه برای مصیبت‌های ائمه معصومین علیهم السلام نشانه همدلی با این بزرگواران است، این همدلی موجب جلب محبت آنان و در نهایت به تربیت دینی منجر می‌گردد.

ج- از قطره تا دریا (تاثیر اجتماعی اشک)- امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ مَنْ كَشَتَهُ أَشْكُم؛ هَرِ مُؤْمِنِي مَرَا يَدُ كُنْدَ، أَشْكُش رَوَانُ شُود» در واقع، جمله «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ»، به یک پدیده مهم و تنبّه آفرین اجتماعی و تاریخی اشاره دارد که کشته شدن هیچ کس در طول تاریخ، به اندازه کشته شدن سید الشهداء، غم انگیز و گریه آور نبوده و نیست. در طول تاریخ، انسان‌های بسیاری کشته شده‌اند که کسی بر آنها نگریسته و بسیاری نیز کشته شده‌اند و گریه بر آنها، موقت بوده و بسیاری نیز کشته شده‌اند و تنها گروه خاصی را متأثر کرده‌اند. اما تحقیقا درباره هیچ کس جز امام حسین علیه السلام گزارش نشده است که همه پیامبران از آدم ابو البشر تا خاتم انبیا، و خاندان پیامبر خدا صلی الله و علیه وآله وسلم و جمعی

جرثومه^۱

از اصحاب پیامبر خدا صلی الله و علیه وآله وسلم قبل از ولادتش، بر او گریسته باشند و حتی فرشتگان، پریان، حیوانات و زمین و آسمان بر او گریه کرده باشند، حتی دشمن بر او گریسته باشد. در طول تاریخ، کسی را سراغ نداریم که مردمی بیش از یک هزار و سیصد سال، بر او بگریند. آری! سید الشهداء، «کشته اشک» است؛ اشکی که تا وقتی انتقام خون همه مظلومان تاریخ را از ستمگران باز نستانند و آرمان های حسینی را به رهبری فرزند بزرگوارش، مهدی آل محمد، در جهان تحقق نبخشد، همچنان بر گونه های مؤمنان راستین و علاقه مندان به خاندان رسالت، جاری خواهد بود. (<https://hadith.net/post/۵۳۲۸>)

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «اللهوف» گوید: از آل رسول خدا علیهم السلام روایت شده که فرمودند: هر کس در [مصایب] ما گریه کند و صد نفر را گریان سازد، بهشت برای او است و هر کس گریه کند و پنجاه تن را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود و هر کس گریه کند و سی تن را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود و هر کس گریه کند و بیست تن را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس گریه کند و ده نفر را به گریه درآورد، بهشت برای او خواهد بود و هر کس بگرید و یک تن را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس خود را شبیه به گریه کنندگان سازد، بهشت برای او خواهد بود. (پدیا. ۱۳۹۱). هیچ وسیله ای به اندازه اشک، توان ایجاد همدلی و ارتباط درونی را ندارد. یک قطره اشک کافی است تا میلیون ها انسان را متأثر و متحد کند. زمانی که یک قطره اشک بر گونه روان شود موجی از خشم، مهر یا شفقت را ایجاد کند. (حسینی، ۱۳۹۱ ص ۲۱۳-۲۱۴)

باتوجه به مطالب فوق، این نتیجه حاصل می شود که اشک ریختن به صورت اجتماعی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این جایگاه می تواند منجر به کارکردهای اجتماعی از قبیل: همدلی و همبستگی اجتماعی در حمایت از ارزش ها و آرمان های ملی، مذهبی و دینی - ظلم ستیزی، روحیه آزادگی، حمایت از مظلومان، فرهنگ ایثار و شهادت، جلوگیری از تحریف و تفرقه افکنی و دشمن شناسی شود. این همه اجر و مقام برای گریه در مصائب آل الله بخاطر شناخت جایگاه و اهداف این بزرگواران و همچنین همدردی با ایشان منجر به اثرات مثبت اجتماعی و در نهایت موجب زمینه سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام حق و جامعه آرمانی می گردد. نمود این اشک اجتماعی در جنگ ۱۲ روزه ملت ایران مشاهده گردید و با شعار ایران حسین تا ابد پیروز است پیروز شدند.

نتیجه گیری:

در نهایت، می توان گفت که اشک، فراتر از یک واکنش فیزیولوژیک، ترجمان دل و انعکاس عمیق ترین لایه های وجود انسان است. بررسی علمی انواع اشک نشان داد که این پدیده نه تنها از منظر زیستی قابل تحلیل است، بلکه در آموزه های اسلامی جایگاهی ویژه دارد که آن را به ابزاری برای پالایش روح، نزدیکی به خداوند و بیان حالات عرفانی تبدیل کرده است. مطالعه ایات قرآن نشان داد که اشک در لحظات خشوع، توبه، و تأثر از عظمت الهی مورد ستایش قرار گرفته و نشانه ای از ایمان و بیداری قلب است. همچنین، روایات اسلامی اشک را مایه ی تطهیر دل، نشانه ی محبت الهی، و عامل سبک شدن بار گناهان معرفی کرده اند. در ادعیه ی مأثور نیز، اشک به عنوان زبان دل در برابر پروردگار، نقش کلیدی در ایجاد ارتباط عاطفی و معنوی با خداوند ایفا می کند.

از منظر روان‌شناختی، اشک می‌تواند نقش درمانی داشته باشد و به تخلیه‌ی هیجانات منفی، کاهش اضطراب و افزایش آرامش کمک کند. در بُعد عرفانی، اشک راهی برای سلوک معنوی و تجربه‌ی حضور الهی است. از نظر اخلاقی، اشک نشانه‌ی رقت قلب، همدلی و آمادگی برای اصلاح نفس تلقی می‌شود. در تحلیل اجتماعی، اشک می‌تواند عامل همبستگی، بیداری جمعی و تحریک احساس مسئولیت در برابر مسائل انسانی و الهی باشد. در بُعد سیاسی و تربیتی، اشک در مجالس دینی و مناسبت‌های مذهبی، نقش مهمی در انتقال پیام، تهییج احساسات و تربیت نسل‌ها ایفا کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد، ضروری است که اشک نه تنها به عنوان یک واکنش احساسی، بلکه به عنوان پدیده‌ای چندبُعدی در تربیت دینی، روانی و اجتماعی انسان مورد توجه قرار گیرد. مقاله‌ی حاضر تلاش کرد تا با بررسی جامع این موضوع از منظر علمی و اسلامی، گامی در جهت روشن‌تر شدن ابعاد پنهان و آشکار اشک بردارد و زمینه‌ای برای تأمل بیشتر در جایگاه آن فراهم سازد. با وجود تلاش مقاله‌ی حاضر برای بررسی ابعاد گوناگون اشک در آموزه‌های اسلامی و تحلیل علمی و روان‌شناختی آن، همچنان زمینه‌های پژوهشی فراوانی وجود دارد که می‌تواند به غنای بیشتر این موضوع کمک کند. از جمله پیشنهادها قابل طرح برای پژوهش‌های آینده عبارت‌اند از: مطالعه‌ی تطبیقی جایگاه اشک در ادیان دیگر بررسی، مفهوم اشک در مسیحیت، یهودیت، بودیسم و سایر ادیان می‌تواند به فهم جهانی‌تر از این پدیده کمک کند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، م. (۱۳۷۷ ه.ش). متن و ترجمه معانی الأخبار. جلد ۲. دار الکتب الإسلامیه. تهران.
۲. ابن فهد حلی، ا. (۱۳۸۱ ه.ش). آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز. کیا. تهران.
۳. انصاریان، ح. (۱۳۸۶ ه.ش). عرفان اسلامی. جلد ۳، ۴. دار العرفان. قم.
۴. انصاریان، ح. (۱۳۸۵ ه.ش). عبرت آموز. دار العرفان. قم.
۵. انصاریان، ح. (۱۳۸۳ ه.ش). تفسیر و شرح صحیفه سجاده. جلد ۱، ۶، ۷، ۱۳. نرم افزار دانشنامه اخلاق اسلامی. دار العرفان. قم.
۶. انصاریان، ح. (۱۳۸۳ ه.ش). نظام خانواده در اسلام. نرم افزار دانشنامه اخلاق اسلامی. ام ایپها. قم.
۷. انصاریان، ح. (۱۳۸۳ ه.ش). بر بال اندیشه. نرم افزار دانشنامه اخلاق اسلامی. دار العرفان. قم.
۸. حسینی، ع. (۱۳۹۱). فلسفه اشک. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله و علیه و آله وسلم.
۹. جعفری، ی. (۱۳۷۶ ه.ش). تفسیر کوثر. جلد ۵. مؤسسه انتشارات هجرت. قم.
۱۰. خمینی، ر. (۱۳۸۰ ه.ش). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. قم.
۱۱. خمینی، ر. (۱۳۸۹ ه.ش - جلد ۱۳). (۱۳۸۶ ه.ش - جلد ۱۶). صحیفه امام. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران.

۱۲. دهخدا، ع. (۱۳۷۲-۱۳۷۳ ش). لغت نامه. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ روزنه. تهران.
۱۳. دیلمی، ح. (۱۳۷۶). ترجمه ارشاد القلوب باتصحیح و پاورقی علامه شعرانی. جلد ۱، ۲. تهران.
۱۴. شبروع. (۱۳۷۴ ه. ش). اخلاق. هجرت. قم.
۱۵. شهید ثانی، ز. (۱۳۷۷ ه. ش). مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام. پیام حق. تهران.
۱۶. شهید ثانی، ز. (۱۳۸۰ ه. ش). آرام بخش دل داغدیدگان. روح. قم.
۱۷. طبرسی، ح. (۱۳۶۵ ه. ش). ترجمه شریف کتاب مکارم الأخلاق. جلد ۱. فراهانی. تهران.
۱۸. صدری. (۱۳۷۳)، جایگاه اشک در قرآن و روایات. بی جا.
۱۹. عباس نژاد، م. (۱۳۸۴ ه. ش). قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی. بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه. مشهد مقدس.
۲۰. غضنفری، ع. (۱۳۹۶). ره رستگاری. جلد ۱. بی جا.
۲۱. فاطمی، ح. (۱۳۸۳ ه. ش). گنجینه اخلاق جامع الدرر فاطمی. جلد ۲. امیر کبیر. تهران.
۲۲. معین، م. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین. امیر کبیر. تهران.
۲۳. عمید، ح. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. انتشارات امیر کبیر. تهران.
۲۴. فیض کاشانی، م. (۱۳۷۲ ه. ش). راه روشن. جلد ۴، ۵. آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی. مشهد.
۲۵. فتال نیشابوری، م. (۱۳۶۶ ه. ش). روضه الواعظین. جلد ۲. نشر نی. تهران.
۲۶. قرائتی، م. (۱۳۸۸ ه. ش). تفسیر نور. جلد ۴، ۵. مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن. تهران.
۲۷. کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنت اصفهان. (۱۳۸۹ ه. ش). سیری در سپهر اخلاق. جلد ۲. صحیفه خرد. قم.
۲۸. کوفی اهوازی، ح. (۱۳۸۷ ه. ش). زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟. سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشکده باقر العلوم انتشارات نورالسجاد. قم.
۲۹. مامقانی، ع. (۱۳۸۸ ه. ش). سراج الشیعه در آداب الشریعت. رسالت یعقوبی. قم.
۳۰. محمدی ری شهری، م. (۱۳۸۷ ه. ش). حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم. جلد ۸. مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر. قم.
۳۱. مظاهری، ح. (۱۳۸۳ ه. ش). کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی. جلد ۲. ذکر. تهران.
۳۲. مظاهری، ح. (۱۳۸۳ ه. ش). جهاد با نفس. جلد ۳، ۴. فدک فاطمی. قم.
۳۳. مظاهری، ح. (۱۳۸۹ ه. ش). آفاق نیایش تفسیر دعای کمیل. اتقان. قم.
۳۴. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۵ ه. ش). اخلاق در قرآن. جلد ۲. مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام. قم.
۳۵. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۱ ه. ش). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیه. تهران.

۳۶. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۵ ه. ش). پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام. جلد ۱۲. دار الکتب الإسلامیة. تهران.

۳۷. ملکی تبریزی، ج. (۱۳۷۲ ه. ش). اسرار الصلوة. پیام آزادی. تهران.

۳۸. <https://www.mashreghnews.ir/news/۱۵۵۷۲۶۹> (مشرق، ۱۴۰۲)

۳۹. <https://mahdi-pedia.com> (پدیا، ۱۳۹۱)

۴۰. <https://hadith.net/post/۵۳۲۸> (پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه)